

سکا نس پاپا نی

چه کسی فکرش را می‌کرد هفته بعد بدرقه آتیلا پسیانی، اهالی سینما داغدار عزیز گرانقدر دیگری شوند؟ چه کسی به ذهنش خطور می‌کرد هنوز غم و ناراحتی فوت آتیلا پسیانی فروکش نکرده، شوک و غم عمیق سهمگین‌تری به هنرمندان و دوستداران هنر وارد شود؟ اصلاً چه کسی فکر می‌کرد چنین عاقبت تلخ و دردناکی در انتظار مرد تاریخ‌ساز سینمای ایران داریوش مهرجویی باشد؟ آن هم چنان ویران‌کننده و تلخ که هیچ کلامی درباره آن نتوان گفت؟

به راستی زخم ناشی از جنایت بی‌سابقه قتل همزمان داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر آن قدر مهیب و دهشتناک بود که بعد از گذشت چند روز نه تنها از درد و التهاب آن کم نشده که هر لحظه بر ابعاد آن افزوده می‌شود و هنرمندان همچنان در بهت به سر می‌برند. و رای از فوت جگرسوز یک هنرمند اندیشمند و فرهیخته، نفس اتفاق جنایت و قتل در سینمای ایران عمیق و تاسف‌آور است. روز گذشته محوطه تالار وحدت شاهد حضور هنرمندان شناخته شده بود، چهره‌های شهیری که با حضور در این مراسم ضمن ادای احترام و ارادت به این سینماگر فرهیخته، او و همسرش را به خانه ابدی بدرقه کردند.

هیچ حرفی ندارم

مسعود کیمیایی همان ابتدای صحبتش گفت که نمی‌تواند درباره خدا حافظی داریوش مهرجویی از جهان هستی کلامی صحبت کند. او اما به احترام مهرجویی پشت تریبون قرار گرفت و از مخاطبان و مردم عذرخواهی کرد.



قاتلان میان ما هستند

دردآورترین صحنه دیروز از مراسم بدرقه داریوش مهرجویی آنجایی بود که مونا مهرجویی فرزند کوچک این هنرمند پشت تریبون قرار گرفت. طفل معصوم نمی‌دانست چه بگوید! در سخنانی که لرزش در آن حس می‌شد، گفت: نمی‌دانم چه بگویم. از همه تشکر می‌کنم که حضور پیدا کرده‌اند. من تنها احساسی که دارم، این است که پدر و مادرم کنارم ایستاده‌اند، شانه‌های من را گرفته‌اند و از من می‌خواهند بایستم. می‌دانم کنارم هستند. به قول پدرم قاتلان میان ما هستند، امیدوارم بتوانیم هر چه سریع‌تر آنها را پیدا کنیم.

چرا دوربین‌ها کار نکردند؟

اما بهمن فرمان‌آرا که غم عمیقی در چهره‌اش مشخص بود در سخنانی گفت: داریوش جان قرار نبود این ملاقات این‌چنین باشد، ما کجا زندگی می‌کنیم؟ یکی از بزرگ‌ترین فیلمسازان این مملکت باید سلاخی شود؟ من و داریوش سال ۶۶ هر دو به ایران بازگشتیم، او به سمت فلسفه رفت و من به سمت کارگردانی سینما رفتم. با هم دوست بودیم، رفیق بودیم و روزها و شب‌های زیادی را گذرانیدیم.

فرمان‌آرا گفت: چگونه همه دوربین‌ها کار نمی‌کنند داریوش باید تنها در کنار همسرش سلاخی شود؟ ما داریم کجا زندگی می‌کنیم؟ من حرف زیادی نمی‌زنم. دل ما شکسته است، همه چیز بد است، آیا قرار است هر هفته برای رفتن کسی اینجا جمع شویم؟ داریوش حقش بیش از اینها بود.

آستانه درد هنرمند پایین است

در ادامه مرضیه برومند، مدیرعامل خانه سینما عنوان کرد: نمی‌دانم چه بگویم. قرار بود متنی نوشته شود و دوستان ما دیروز در خانه سینما جمع بودند تا من به عنوان مدیرعامل بدبخت خانه سینما بخوانم، اما هیچ کلماتی نمی‌توانست این درد بزرگ و این فقدان فجیع را توصیف کند. من مجبور شدم بیایم و صحبت کنم، نمی‌دانم چه بگویم. قاصرم از گفتن عظمت دردی که خانه سینما به دوش می‌کشد. خانه سینما الان عزادار است، اما باید به هم تسلیت بگوییم، ما کارگردان درخشان و تاثیرگذاری را از دست دادیم، او با «دایره مینا» باعث شد سازمان انتقال خون احداث شود؛ این تاثیر هنرمند است.

مدیرعامل خانه سینما ادامه داد: دکتر اقبال، وزیر وقت چند سالی مانع پخش فیلم شد، پخش «گاو» هم ممنوع بود، اما همین «گاو» توانست در سینمای بالنده ایران را روی جهان باز کند. تا هنرمندان

زنده هستند به آنها برسید، بذر پورا احمد، مهرجویی، پسیانی در دل این هنرمندان جوان هست، بگذارید کار کنند. آنها دلسوز این مملکت هستند، آنها جوان هستند، آستانه درد هنرمندان پایین و سیاستمداران بالاست. ما همه در این سرزمین ماندیم، چون اینجا را دوست داریم، با ما خوب باشید ما حتی با اسراییل هم می‌جنگیم. به همه تسلیت می‌گوییم.

چطور برای داریوش

این مرگ بزرگ رقم خورد؟

در ادامه علی مصفا، بازیگر سینما و تلویزیون روی صحنه آمد و پیام فریار جواهریان، همسر سابق داریوش مهرجویی را خواند: «چطور می‌توانم از همه دوستان و شیفتگان داریوش تشکر کنم؟ چگونه چنین مرگ هولناکی برای این مرد بزرگ رقم خورد؟ دلم به این خوش است که نسل جدید فیلم‌هایت را کشف و معنای خاصی از آن پیدا می‌کنند. داریوش هنرمند واقعی بود و در همه آثارش لایه‌های مختلفی را به نمایش می‌گذاشت. چند سال است مشغول نوشتن خاطرات هستم، اما افسوس که این هفت ماه اخیر با داریوش قهر بودم، نمی‌شود این‌گونه بدون خداحافظی بروی، دلم پیش موناست که چگونه يك شبه تنها شد.»

دنیا يك هنرمند خوب را از دست داد

همچنین پیام پسر مهرجویی صفا هم قرائت شد: «دنیا نه تنها يك هنرمند بزرگ که يك پدر خوب را از دست داد، امیدوار بودم بار دیگر او را در آغوش بگیرم و از رمان آخري که خواندم، برایش بگویم اما دنیا جور دیگری رقم خورد. یاد پدرم در خاطر بی‌شمار ایرانی و غیرایرانی در سراسر دنیا زنده خواهد ماند؛ هم از طریق آثارش هم از زندگی شریفش. از صمیم دل قدردان هم‌میهنان هستم که در این لحظات اندوهناک به ما قوت بخشیدند به ویژه از هنرمندان که این گردهمایی را در غیاب من برای پدرم تدارک دیدند.»

جنایت هولناکی است

کیا نوش عیاری هم نتوانست به دلیل بیماری در این مراسم حاضر شود. اما درباره داریوش مهرجویی پیامی ارائه داد: «او متبهرترین ترسیم‌کننده زندگی بود. او در فیلم‌های پیچیده خود هم چنین ویژگی داشت. او با بینش و دانش خود می‌توانست روایت مطلوبی از زندگی داشته باشد بدون اینکه آن را زندگی کرده باشد و اما این جنایت

هولناك معمايي است كه به زودي ابعاد آن روشن ميشود.»

در بخش ديگري از مراسم محسن اميریوسفی، رييس كانون كارگردانان نيز روي صحنه آمد و گفت: قتل اين كارگردان و وحیده محمدی فر همسرش را تسليت مي‌گويم. بعد از مرگ غم‌انگيز كيومرث پوراحمد شاهد مرگ فجيع اين دو هستيم.

پدرم قلب ساده‌اي داشت

به نقل از مهر سپس پیام مریم مهرجویی فرزند ديگر داریوش مهرجویی كه در اين مراسم حضور نداشت و در خارج از کشور بود، قرائت شد. در اين پیام آمده بود: «از طرف خودم و برادرم از همه تشكر مي‌كنم. از همه هنرمندانی كه با پدرم همکاری داشتند، تشكر مي‌كنم. از همه دوستانرانش هم سپاسگزارم. عشق و محبت همه را حس مي‌كنم، از تمام مردم ايران كه در اين مدت به ما پیام داده‌اند و درگير اين ماجرا شده‌اند، سپاسگزارم. همه ما در يك شوک بزرگ هستيم. همه ما شيفته داریوش مهرجویی بوديم، از طرف خودم مي‌توانم بگويم كه پدرم به قول حميد هامون تخته شلنگ مي‌انداخت ولي با همه اين كارها و ژستها و ادا و اطوارها قلبش ساده و بي‌شيله پيله بود. به خاطر همین قلب و آن قدرتي كه داشت، بيان آن لحظات معجزه‌آفرين زندگي سخت است. در همه بالا پايين‌ها فقط نور آن قلبش را مي‌ديدم كه ما را به جلو مي‌برد.»



همه هنرمندان آمدند

يكي از بخشهاي مهم مراسم ديروز حضور پرشمار هنرمندان بود. بهمن فرمان‌آرا، مسعود كيميائي، پريناز ايزديار، احمدرضا درويش، شهاب حسيني، پارسا پيروزفر، فرهاد مجيدي، داریوش فرهنگ، رضا درميشيان، رامبد جوان، مهران مديري، حامد بهداد، نويد محمدزاده، بهنوش طباطبائي، سيامك انصاري، امين حيايي، محمدرضا گلزار، مسعود كرامتي، امير جديدي، امير آقايي، مصطفي كيايي، امير جعفري، محمدعلي نجفي، علي مصفا، جعفر پناهي، هادي حجازي‌فر، محمد رسولاف،

